

علل ناکارآمدی احزاب سیاسی

در

ایران





- سرشماره: اخوان کاتلی، بهرام، ۱۳۳۳.
- عنوان: علل ناکلامدی احزاب سیاسی در ایران.
- نام پدیدآور: بهرام اخوان کاتلی.
- مشخصات نشر: تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
- مشخصات ظاهری: ۳۶۴ ص.
- فروستد: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۷، جلده ششمی سیاسی، ۳۹
- شابک: ۳۵۰۰۰ ریال: 978-964-419-353-8
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
- یادداشت: کتابمه ص ۳۱۳ و به صورت زیرنویس.
- موضوع: حزب‌های سیاسی - ایران.
- موضوع: حزب سیاسی - ایران - تاریخ.
- موضوع: حزب‌های سیاسی.
- شماره افزودن: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ردیندی کنگره: DSR ۱۵۰۴/۵/الف/۳ع۸ ۱۳۸۸
- ردیندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴-۴۵۲
- شماره کاتالوگی ملی: ۱۷۳۴۴۲



انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عنوان: علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران

تألیف: بهرام اخوان کاظمی

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۵۰۰ قیمت: ۳۵۰۰ تومان

حروفچینی و لیتوگرافی: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۳۵۳-۸

ISBN 978-964-419-353-8

مقوق این اثر برای ناشر محفوظ است

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبروی پمپ بنزین اسدی، پلاک ۲۰۹۴،

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صندوق پستی ۹۳۹۵/۳۸۹۶، تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴، فکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.ir

فهرست مطالب

مقدمه	۱۳
پیشگفتار	۱۵
بخش اول:	
مباحث نظری پیرامون حزب و تحزب	۲۱
فصل اول: مفهوم حزب	۲۳
فصل دوم: علل پیدایش و خاستگاه‌های احزاب	۳۱
گفتار اول - رویکردهای عام	۳۲
۱- طبیعت انسان	۳۲
۲- منافع متضاد اقتصادی	۳۲
۳- محیط زندگی	۳۳
۴- حس نژادی و قومیتی	۳۳
۵- زمینه‌ی دینی و مذهبی	۳۳
گفتار دوم - رویکردهای خاص	۳۴
۱- رویکرد نهادگرا	۳۴
۲- رویکرد تاریخی مبتنی بر بحران‌ها، شکاف‌ها و ستیز	۳۵
۳- رویکرد نوسازی و توسعه‌ی سیاسی	۳۷
فصل سوم: گونه‌شناسی احزاب	۴۱
۱- گونه‌شناسی احزاب بر حسب ایدئولوژی	۴۱
الف) احزاب سیاسی راست دموکراتیک، مانند: احزاب لیبرال و محافظه‌کار و دموکرات مسیحی؛	۴۲
ب) احزاب سیاسی چپ دموکراتیک، مانند: احزاب سوسیال دموکرات و کارگری؛	۴۲

- ج) احزاب راست اقتدارطلب، مانند احزاب فاشیست و ناسیونالیست؛ ۴۲
 د) احزاب چپ اقتدارطلب، مانند احزاب کمونیست؛ ۴۲
 ۲- طبقه‌بندی احزاب از حیث طبقاتی، ایدئولوژی و سازمانی..... ۴۲
 ۳- تقسیم‌بندی احزاب به: توده‌ایی، کادری، فدایی (تقسیم‌بندی دوزوره) .. ۴۴
 ۴- تقسیم‌بندی «پاندا» و «ریگز»..... ۴۵
 فصل چهارم: کارکردهای احزاب..... ۴۷
 گفتار اول- کارویژه‌های عام..... ۴۷
 گفتار دوم- کارویژه‌های خاص..... ۵۲

بخش دوم:

- حزب و تحزب در اندیشه‌ی اسلامی..... ۵۹
 فصل اول: حزب و تحزب در قرآن..... ۶۳
 فصل دوم: حزب‌الله در قرآن..... ۶۹
 فصل سوم مشروعیت دینی تحزب..... ۷۳
 گفتار اول: دیدگاه مخالفین..... ۷۳
 ۱- تحزب مورد نکوهش شریعت بوده و موجب رواج تباهی و برخی
 محرمات و عامل تفرقه و خدشه‌ی جماعت مورد تأکید اسلام است..... ۷۱
 ۲- مغایرت تعصبات و جانب‌داری‌های حزبی با آموزه‌های اسلام و استقلال
 و آزادی عقاید فردی..... ۷۶
 ۳- فقدان سابقه‌ی حزب و تحزب در صدر اسلام و مبانی فقهی و کلامی
 اسلامی..... ۷۷
 ۴- خاستگاه تحزب، تفکر اومانستی، مادی و معنویت‌ستیز، دموکراسی غربی
 سکولار و غیردینی است..... ۷۸
 ۵- در جامعه‌ی دینی تحزب برای مسلمانان ناروا و برای غیر مسلمان روا و
 مجاز است..... ۷۹
 گفتار دوم: دیدگاه موافقین..... ۸۰
 ۱- موافقین تام..... ۸۰
 ۲- موافقین معتدل..... ۸۳
 الف) کارآمدی و کارکردهای مثبت احزاب، عامل صحت تحزب..... ۸۳
 ب) عدم تردید در فلسفه‌ی وجودی احزاب به عنوان یک روش عقلایی
 سیاسی و مدنی..... ۸۳

- ج) وجود احزاب و تحزب یک حسن عقلی است و به دلیل الزام عقلی و
 مصلحت، دارای الزام شرعی است ۸۴
- د) تجویز احزاب و تحزب به عنوان «امری مستحذنه» و موضوعی در حوزه‌ی
 «مالانص فیہ» ۸۶
- ه) تجویز تحزب به عنوان «وجوب مقدمه‌ی واجب» ۸۶
- و) استفاده از ملاک «عدم تعارض و یا معارضه با دین» ۸۶
- ز) تجویز تحزب براساس قاعده‌ی فقهی اختلال نظام ۸۷
- ح) احزاب و تحزب مصداق مهمی از انجام ساختارمند و گسترده‌ی امر به
 معروف و نهی از منکر و امور حسبه است ۸۷
- ط) احزاب، راهکاری برای اهتمام به امور مسلمین و تحقق اصل شورا و
 مشورت ۸۹
- ی) موافقین مشروط ۹۲

بخش سوم:

- تحزب در اندیشه‌ی رهبران جمهوری اسلامی ۹۷
- فصل اول: تحزب در اندیشه‌ی امام خمینی (ره) ۹۹
- گفتار اول: مردم و دموکراسی در اندیشه‌ی امام (ره) ۹۹
- گفتار دوم: اندیشه و مواضع امام (ره) درباره‌ی احزاب ۱۰۵
- فصل دوم: تحزب در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ۱۰۹
- گفتار اول: رویکرد موافقت تام ۱۱۰
- ۱- تعریف حزب، کارکرد اصلی و ضرورت آن ۱۱۱
- ۲- مشروعیت دینی تحزب و وجود نمونه‌های امروزی آن در سیاست نبوی
 و علوی ۱۱۱
- گفتار دوم: رویکرد موافقت مشروط ۱۱۳

بخش چهارم:

- روند تاریخی و تجربه‌ی تحزب در ایران ۱۲۷
- فصل اول: روند تحزب تا قبل از انقلاب اسلامی ۱۳۱
- فصل دوم: روند تحزب در دوران جمهوری اسلامی ۱۴۳

- ۱- از پیروزی انقلاب (۱۳۵۷) تا اواسط سال ۱۳۶۰ ۱۴۸
- ۲- دوره‌ی جنگ تحمیلی از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا ۲۷ تیر ۱۳۶۷ (سالروز پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸) ۱۴۸
- ۳- دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی ملقب به دوران سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶) ۱۴۹
- ۴- دوره‌ی ریاست جمهوری آقای خاتمی از دوم خرداد ۱۳۷۶ تا سوم تیر ۱۳۸۴ ۱۴۹
- ۵- دوره‌ی ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد از سوم تیر ۱۳۸۴ تاکنون ۱۴۹

بخش پنجم:

- علل عام ناکارآمدی احزاب در نظام‌های سیاسی ۱۶۱
- فصل اول: ناکارآمدی حاصل عملکرد عموم احزاب ۱۶۵
- فصل دوم: ناکارآمدی حاصل عملکرد احزاب نابالغ ۱۷۱
- فصل سوم: ناکارآمدی؛ محصول موانع رشد حزب در جهان سوم ۱۷۵
- ۱- ساختار قبیله‌ای و اجتماعی ۱۷۶
- ۲- جامعه‌ی توده‌وار ۱۷۶
- ۳- ضعف نخبگان سیاسی ۱۷۶
- ۴- شخصی شدن قدرت و قدرت شخصی ۱۷۷
- ۵- ضعف فرهنگ سیاسی ۱۷۷

بخش ششم:

- علل خاص ناکارآمدی احزاب در ایران ۱۷۹
- فصل اول: علل تاریخی - ساختاری ۱۸۳
- ۱- استبداد و ساختار مطلقه‌ی قدرت ۱۸۳
- ۲- فقدان امنیت و وجود احساس ناامنی ۱۸۴
- ۳- حضور مداوم ایلات و عشایر در عرصه‌های سیاسی ۱۸۶
- ۴- فقدان تحولات بنیادین در فرم‌اسیون اجتماعی، و تقابل میان سنت و تجدد ۱۸۷
- ۵- بدبینی و ناآگاهی عمومی نسبت به نقش احزاب ۱۸۸

- ۶- ضعف جامعه‌ی مدنی و نبود یا کمی تجربه‌ی مشارکت‌های سیاسی... ۱۸۹
- ۷- وجود احزاب دستوری و وابسته به دولت..... ۱۹۰
- ۸- وابستگی احزاب به بیگانگان و ایدئولوژی‌های الحادی..... ۱۹۱
- ۹- تأثیرات جنگ جهانی دوم و جنگ تحمیلی عراق بر تحرک و رکود
تحرزب..... ۱۹۳
- فصل دوم: علل اقتصادی..... ۱۹۵
- ۱- نظام اقتصادی وابسته به نفت (دولت رائتیر)..... ۱۹۵
- ۲- اقتصاد بیمار دولتی..... ۱۹۷
- ۳- ناهماهنگی توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی و وجود مشکلات معیشتی عامه
..... ۲۰۰
- ۴- مشکلات اساسی احزاب در تأمین مالی..... ۲۰۳
- فصل سوم: علل حقوقی و قضایی..... ۲۱۳
- ۱- ابهام، نقض و عدم اجرای لایحه و قانون جرایم سیاسی..... ۲۱۳
- ۲- ضعف و تعارض‌های موجود در قانون فعالیت احزاب..... ۲۱۹
- ۳- تعدد و تغیر و ناپایداری قوانین انتخاباتی..... ۲۲۰
- ۴- ضعف‌های حقوقی نظام انتخاباتی کشور..... ۲۲۱
- ۵- دشواری‌ها و مشکلات حقوقی نظارت بر انتخابات..... ۲۲۵
- فصل چهارم: علل فرهنگی (فرهنگ سیاسی)..... ۲۲۹
- فصل پنجم: علل عملکردی..... ۲۴۹
- گفتار اول: عملکرد گروه‌ها و نهادهای بدیل و جایگزین احزاب..... ۲۴۹
- ۱- نهاد روحانیت..... ۲۴۹
- ۲- هیئت‌ها و اجتماعات و مجامع مذهبی..... ۲۵۲
- ۳- مطبوعات و دانشگاه‌ها..... ۲۵۳
- ۴- باندهای قدرت..... ۲۵۵
- ۵- گروه‌های ذی‌نفوذ یا گروه‌های فشار..... ۲۵۶
- گفتار دوم: عملکرد نخبگان..... ۲۵۹
- ۱- جدایی، بیگانگی و عدم شناخت درست از مردم و جامعه‌ی اسلامی..... ۲۶۴
- ۲- عدم استقلال نخبگان و وابستگی‌های آنان به قدرت و دولت..... ۲۶۶
- ۳- فقدان مجال لازم برای نخبگان مستقل..... ۲۶۷

- ۴- آمریت و قانون‌گریزی و ضعف پابندی به قانون و تساهل و مدارای سیاسی ۲۶۸
- ۵- ترجیح منافع فردی و جناحی بر منافع ملی ۲۶۹
- ۶- جزم‌اندیشی، نقدناپذیری، مطلق‌انگاری، ۲۷۰
- ۷- غلبه‌ی رفتار ایلی، شعارزدگی، بی‌عملی و کلی‌گویی ۲۷۱
- ۸- اندیشه و رفتار «هیستی» ۲۷۱
- گفتار سوم- عملکرد احزاب ۲۷۲
- ۱- دولت‌ساختگی و وابستگی به دولت ۲۷۴
- ۲- مقطعی، مؤسسی و مرکزگرا بودن فعالیت احزاب ۲۷۸
- ۳- تشتت و تفرقه برانگیزی ۲۷۹
- ۴- قییم‌مآبی، ائتلاف‌ها و انشعاب‌های کم‌بنیاد و مکرر ۲۸۳
- ۵- شعارزدگی، تک‌سویه‌نگری، ضعف نگرش‌های واقع‌گرایانه و کاربردی ۲۸۴
- ۶- ضعف در آموزش و تربیت سیاسی ۲۸۸
- ۷- بی‌برنامگی، ضعف در حوزه‌های تنوری‌پرداز و بومی‌نگری ۲۸۹
- ۸- ضعف شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی و غلبه‌ی فرهنگ فردمحوری ۲۹۰
- ۹- عدم پابندی لازم به قانون ۲۹۳
- ۱۰- کم‌بهرگی از اخلاق سیاسی و اسلامی ۲۹۴
- ۱۱- افراطی‌گری و کم‌توجهی به مصالح و منافع ملی ۲۹۵
- گفتار چهارم- عملکرد دولت و دولتمردان ۳۰۰
- نتیجه‌گیری ۳۰۷
- کتابنامه ۳۱۳
- نمایه ۳۲۳

مقدمه

«احزاب سیاسی» یکی از ارکان مهم «توسعه‌ی سیاسی» در دنیای امروز می‌باشند. اغلب اندیشمندان سیاسی وجود احزاب را مایه‌ی توسعه و ثبات سیاسی، افزایش مشارکت‌های سیاسی - اجتماعی و عامل تحقق و تحرک دموکراسی می‌دانند. علی‌رغم این اعتقاد، عده‌ای هم نسبت به این پدیده انتقاداتی دارند که وجود آن‌را مایه‌ی تفرقه، تشتت و بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی می‌دانند. اما آنچه از تجربه‌ی کشورهای موفق در زمینه‌ی احزاب فهمیده می‌شود احزاب می‌توانند جلقه‌ی ارتباط مناسبی جهت مشارکت سیاسی بهینه‌ی مردم در عرصه‌ی حکومت باشند.

تجربه‌ی احزاب سیاسی در ایران به دوران انقلاب مشروطیت باز می‌گردد، اما متأسفانه تاریخ حزب در ایران بیانگر نوعی ناکارآمدی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی بوده است. تجربه‌ی حزب در ایران به خوبی نشان می‌دهد که این پدیده نتوانسته به طور مطلوب کارویژه‌ها و اهداف مورد نظر را تأمین کند و معمولاً در نحوه‌ی شکل‌گیری، تداوم حیات حزب، کارویژه‌های عضوگیری و تعیین خط‌مشی‌ها و... با نقصان‌هایی همراه بوده است. به هر حال، با این تجربه‌ی احزاب سیاسی در ایران، این سؤال مطرح است که آیا در ایران پس از انقلاب اسلامی احزاب مایه‌ی توسعه و ثبات سیاسی، مشارکت عمومی و تحقق کارویژه‌های آن مساعد می‌باشد؟ با توجه به کمبود منابع و معمولاً منابع ضعیف و سطحی در این زمینه و با توجه به اشراف نویسنده به موضوع و تلاش او در مراجعه به تمام منابع مرتبط با موضوع، این

اثر یکی از کارهای بسیار شجاعانه در زمینه‌ی علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران می‌باشد که می‌تواند پاسخگوی سؤالات و شبهات متعدد در زمینه‌ی احزاب و کارآمدی یا ناکارآمدی آنها در ایران برای محققان و دانشجویان و سیاستمداران باشد.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی با امید به اینکه اثر حاضر بتواند سرآغاز مناسبی برای تجزیه و تحلیل پدیده‌ی احزاب سیاسی در محافل دانشگاهی و پژوهشی باشد، اقدام به انتشار این پژوهش نموده است تا بتواند رهگشای مباحث جدید و نقادانه در زمینه‌ی احزاب سیاسی در ایران باشد. در پایان ضمن تشکر از مؤلف محترم، از تلاش‌های جناب آقای دکتر اکبر اشرفی، معاون محترم پژوهشی؛ جناب آقای علی کردی، مدیر محترم بخش تحقیق؛ جناب آقای دکتر رشید جعفرپور، مدیر محترم گروه جامعه‌شناسی و اقتصاد و آقایان احمد پرخیده و محمدزمان راستگو، کارشناسان محترم گروه و نیز همکاران پرتلاش در معاونت محترم انتشارات قدردانی می‌شود.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیشگفتار

در جهان امروز و در عرصه‌های نظری و عملی سیاست، اجماع نظر تقریباً کاملی درباره‌ی وجود احزاب و ضرورت تحزب به عنوان نماد توسعه‌ی سیاسی و مؤلفه‌ای مهم در تحقق مردم‌سالاری و ایفای نقش واسطه‌ی میان مردم و حکومت‌ها به وجود آمده است، به گونه‌ای که در حال حاضر فعالیت‌های حزبی را در اکثر کشورهای دنیا می‌توان مشاهده نمود.

هواداران تحزب، وجود احزاب را مایه‌ی توسعه و ثبات سیاسی، افزایش مشارکت‌های سیاسی - اجتماعی و عامل تحقق دموکراسی به‌شمار می‌آورند و تعادل و پایداری نظام را از کارویژه‌های این پدیده محسوب می‌کنند. اما برخی از صاحب‌نظران، قدیم و حتی جدید یا به طور کلی ادعاهای فوق را نفی می‌کنند و احزاب را برعکس مایه‌ی تفرقه، تشتت و ناامنی سیاسی - اجتماعی می‌دانند، یا اینکه بسیاری از احزاب سیاسی فعلی را به دلیل عوامفریبی، سازمان محوری، طبع الیگارشیک و ... در ایفای چنین وظیفه‌ی مهمی ناکارآمد دانسته و اساساً جستجوی احزاب واقعی را به ناکجاآبادها ارجاع می‌دهند.

متأسفانه تاریخ تحزب ایران در سده‌ی گذشته، بیانگر بسیاری مژمن و ناکارآمدی

احزاب در قیل و بعد از انقلاب اسلامی بوده است، اما منظور از «کارآمدی» چیست؟ در واقع کارآمدی بیانگر قابلیت و توانایی و ایفای بهینه‌ی کارویژه‌های مطلوب از سوی یک کنشگر اعم از فرد، نهاد و امثال آن می‌باشد. از سویی کارآمدی در گرو کسب هدف‌های تعیین شده و رضایت خاطر کسانی است که در رسیدن به اهداف نقش دارند. بنابراین تعریف، می‌توان اذعان نمود که تاریخ تحزب در ایران به‌خوبی نشان می‌دهد که احزاب در دوره‌ی حیات خویش نتوانسته‌اند قابلیت و توانایی خود را نشان داده و ایفاگر بهینه‌ی کارویژه‌های مطلوب «حزب» بوده و اهداف تأسیس این پدیده‌ی سیاسی را فراهم آورند.

در حال و با این پیشینه‌ی فکری و ذهنی درباره‌ی نقش و عملکرد احزاب، این سؤالات اساسی شایسته‌ی بحث و بررسی است که آیا در دوره‌ی جمهوری اسلامی با احزاب کارآمدی مواجه بوده‌ایم؛ آیا با ظهور انقلاب اسلامی، عملکرد احزاب مایه‌ی توسعه و ثبات سیاسی، همبستگی ملی و مشارکت عمومی و تحقق کارویژه‌های ایجابی آنها شده است یا خیر؟ یا بر خلاف این توقع، احزاب با عملکرد ناکارآمد خویش، منحل توسعه و مشارکت سیاسی واقعی بوده و به تشتت و پریشانی‌های مختلف در سطح جامعه و نظام سیاسی دامن زده‌اند و عملکرد آنها موجب بی‌ثباتی و عدم تعادل در کشورگشته و در واقع اثبات‌کننده‌ی نوع نگرش منفی پیشگفته به احزاب بوده است؟ بنا به مطالب پیشگفته، سؤال اصلی پژوهش حاضر بدین صورت قابل طرح است:

«آیا بعد از انقلاب اسلامی، احزاب در عرصه‌های عملکردی خویش دارای کارآمدی لازم بوده‌اند و آیا توانسته‌اند جنبه‌های ایجابی پدیده‌ی حزب و تحزب را در کشورمان محقق سازند؟ علل و عوامل اساسی ناکارآمدی مفروض چه بوده است؟».

همچنین برخی از پرسش‌های فرعی این پژوهش بدین صورت است:

الف) آیا میان کارآمدی یا ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران با علل: تاریخی - ساختاری، اقتصادی، حقوقی و قضایی رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟

ب) آیا میان کارآمدی یا ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران، با فرهنگ سیاسی ایرانیان رابطه‌ی معناداری می‌توان یافت؟

ج) آیا میان کارآمدی یا ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران، با عملکرد نخبگان، احزاب، دولت و گروه‌های بدیل و جایگزین احزاب رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟ مدعا و مفروض پژوهش فعلی، متناسب با سؤالات مذکور، این‌گونه قابل سازماندهی است:

«به نظر می‌رسد که در سده‌ی گذشته و از قبل به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی، پدیده‌ی تحزب و احزاب فاقد عملکرد و کارآمدی لازم بوده و به دلایل مختلف تاریخی - ساختاری، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و عملکردی، نتوانسته‌اند کارویژه‌های ایجابی این پدیده را در ایران محقق سازند».

متأسفانه با نگاه به پیشینه‌ی پژوهش حاضر، خلأ بسیار آشکاری به چشم می‌خورد؛ به استثنای چندین پایان‌نامه^۱ - که معمولاً دسترسی به آنها بسیار دشوار و برای عموم

۱. برای نمونه می‌توان به پایان‌نامه‌های زیر مراجعه نمود:

- غلامرضا ضابط‌پور، علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران معاصر، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)، مؤسسه آموزشی باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۰

- محمدرضا ناظری، علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۱

- حسن رضایی، موانع تکوین و گسترش فعالیت احزاب در جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر دوره‌ی پس از دوم خرداد ۱۳۷۶)، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۱

- علی اسماعیلی، تحلیل قانون احزاب با تأکید بر کمیسیون ماده‌ی ۱۰، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق

ناممکن است. کتاب و پژوهشی در این زمینه تاکنون به شکل تفصیلی به رشته‌ی تحریر درنیامده و غالب مطالب به گونه‌ی غیرجامع و بعضاً مکرر، در مطبوعات طبع شده که علاوه بر عدم کفایت و محدودنگری، حب و بغض‌ها و سلیق جناحی نیز در آنها قابل مشاهده است. همچنان‌که همین مسئله، یعنی ضعف مطالعات تئوریک درباره‌ی احزاب و بومی‌سازی نظریه‌های مربوطه و آفت شناسی تحزب از علل ناکارآمدی این پدیده بوده است.

یکی از معدود نگاشته‌ها در این زمینه، کتاب «علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران»^۱، به قلم حسین تبریزیا که در پاییز سال ۱۳۷۱ به چاپ رسیده است. مؤلف در پاسخگویی به برخی از علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران به عوامل داخلی و خارجی اشاره می‌نماید. در ذیل عوامل داخلی، عواملی مانند فقدان تجربه در مشارکت‌های سیاسی، نقش فرهنگ سنتی، سواد و بینش توده‌ها را ذکر می‌کند. در ذیل عوامل خارجی از نقش حاکمیت متمرکز امپریالیستی در ناپایداری احزاب، سلطنت‌های

→

(عمومی)، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۵

- نرگس خاتون رستمی، تأثیر ساختار سیاسی بر رشد احزاب در ایران (دوره‌ی ۶۸-۷۶، با تأکید بر حزب کارگزاران سازندگی)، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده‌ی علوم انسانی، ۱۳۷۹

- قاسم خرمی، توسعه نیافتگی فرهنگ سیاسی و ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده‌ی علوم اقتصادی و سیاسی، ۱۳۷۷

- علیرضا کاهه، بررسی علل نهادینه نشدن احزاب در ایران، (تجربه‌ی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲)، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۸

- محمود هاشمی، چالش‌ها و عوامل ناکامی فعالیت احزاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی)، واحد تهران مرکزی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۱

- حمید سعیدی جواد، علل و موانع پیدایی، پابایی احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی)، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۲

۱. حسین تبریزیا، علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، تهران، مرکز نشر بین الملل، پاییز ۱۳۷۱

متمرکز در ایران، وابستگی ایدئولوژیکی-سیاسی مرانامه‌ها و لیدرها، عدم تقارن توسعه‌ی سیاسی با توسعه‌ی اقتصادی و غیره یاد می‌کند. ضعف این پژوهش علاوه بر فقدان جامعیت‌نگری، عدم لحاظ بسیاری از تحولات اخیر به دلیل انجام آن در پانزده سال قبل است.

اثر درخور دیگر، کتاب «ت حزب و توسعه‌ی سیاسی» (کتاب دوم: حزب در ایران) است که در واقع مجموعه مقالاتی است که دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور طی برگزاری همایشی در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسانده است که حدود ۵ الی ۶ مقاله‌ی این مجلد، به موضوع عامل ناپایداری و موانع حزب در ایران پرداخته است که غالباً هر یک از مؤلفین، بر عواملی مانند استبداد سیاسی، عملکرد سوءنخبگان، ضعف فرهنگ سیاسی، سابقه‌ی بد احزاب و... را به عنوان موانع موفقیت و علل عدم گسترش احزاب ذکر کرده‌اند.

با توجه به ناکافی بودن این مطالعات و خلأ آشکار موجود، از آنجا که حزب مهم‌ترین مصداق جامعه‌ی مدنی و از ارکان مشارکت سیاسی است، انجام پژوهش حاضر دارای اهمیت فراوانی است، خاصه آنکه فراز و نشیب‌های متعدد عملکرد احزاب به‌ویژه در بعد از انقلاب اسلامی و خصوصاً افراط و تفریط‌های شدید عملکرد آنها در دوره‌ی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۴، در کنار مجموعه‌ای از عوامل دیگر، منجر به سیاست‌زدگی در جامعه و تضعیف امنیت و ثبات سیاسی کشور گردید؛ چنان‌که در سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی کشور به وضوح از ایران اسلامی به عنوان کشوری الهام‌بخش با الگوی مستحکم مردم‌سالاری دینی یاد شده و خواه ناخواه عملکرد احزاب به عنوان «رکن چهارم دموکراسی» می‌بایستی مورد بررسی و تعمق قرار گرفته و در راستای افزایش کارآمدی این تشکله‌ها، آفت‌شناسی و آفت‌زدایی‌های نظری و عملی در مورد آنها، ضرورتاً صورت پذیرد. برای پژوهش حاضر، قریب به پانصد هزار

داده‌ی اطلاعاتی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، و بیش از یک میلیون داده در کتابخانه‌ی ملی ایران مورد جستجو قرار گرفته است و تقریباً تمامی منابع مرتبط با تحقیق تا آخر شهریور ۱۳۸۶، رؤیت و تفحص شده است. ضمن آنکه تمامی خبرهای مهم مرتبط با موضوع در مطبوعات و سایت‌های خبری و اینترنتی با دقت دنبال و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. امیدوارم انجام این پژوهش گامی در جهت اصلاح و افزایش کارآمدی احزاب سیاسی بوده و بتواند مسیر پرسنگلاخ و پرفرازونشیب آنها را اندکی تسهیل نماید. در خاتمه از دست‌اندرکاران محترم مرکز اسناد انقلاب اسلامی، برای پیشنهاد این پژوهش و چاپ آن، سپاسگزاری می‌نمایم.

دکتر بهرام اخوان کاظمی*

(استادیار دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز)